

گزارشی درباره کتابخانه و موزه ملک

از: ابو الفتح قهرمانی

يك خانه، آنجا که نشانه‌هایی از هنر، ادب، و فرهنگ دیرپای این سرزمین گرد آمده است

يك خانه و يك قرن عمر

قدیمی را می‌بینی. ناگهان حس می‌کنی صد سال به عقب برگشته‌ای. صد سالی که در يك آن چشم ترا به گوشه‌هایی از هنر و استعداد و قدرت فراوان پشتکار آدمهای این سرزمین روشن می‌سازد.

کنار میز مسؤول اداره قرائت‌خانه و موزه ملک به صحبت می‌نشینم و یادداشت برمی‌داریم. از گذشته دور تا با امروز و در مورد این خانه که به همت و پشتکار يك مرد، جایگاه نشانه‌هایی از هنر ادب و فرهنگ این سرزمین شده است.

از میانه بازار بین‌الحرمین که بگذری، خیلی ساده می‌توانی این خانه را بیابی. برای همگی آشنا و مورد توجه است. خانه‌ای با نام: «قرائت‌خانه ملک». با حدود بیش از یکصد سال عمر. با دری کوتاه، چوبین و قهوه‌ای که زادگاه مردی نیکوکار و خیراندیش با نام «حاج حسین آقا ملک» است. و اینک نیز همین خانه، خانواده و همه گردآورده‌های پرارزش این مرد را در بر می‌گیرد.

از راهرو نیمه کج نسبتاً تاریکی که بگذری بدرگاه حیاط میرسی که در مقابل، قبل از هر چیز ارسی‌های بلند اتاق روبرو جلب نظر می‌کند. حدود صد سالی که بر خانه گذشته، چندان بر آن آسیب وارد نکرده است، و از آنجا که سعی در حفظ اصالت این خانه شده، خود نمونه بارزی از هنر معماری، نجاری و نقاشی، حتی سنگ‌تراشی ایرانی است.

تا کمرکش دور تا دور حیاط سنگ است، که بر روی آنها اشکالی حجاری شده و ماهی‌های درشت رنگ برنگ در میانه حوض سنگی در گردش آرام خود هستند. سکوت، حالت خاصی به این خانه پراز گنجینه بخشیده است. در حقیقت این قسمت قدیمی ساختمان خانه است، که به گونه اول حفظ شده. در دوطرف حیاط دو پلکان است که وقتی از آنها بالا بروی، به درهای زیبای قدیمی، اتاق‌هایی با سقف‌های چوبین بی‌می‌خوری. به اتاق دفتر قرائت‌خانه که وارد میشوی بخوبی از پشت شیشه‌های بلند ارسی‌های آن، حیاط و زیبایی‌های

آشنائی با يك مرد

مؤسس و بانی این قرائت‌خانه و موزه - حاج حسین آقا ملک - در طبقه میانی همین خانه زندگی میکند. می‌شنویم که: با وجود کهولت و پیری هنوز هم اداره همه قسمت‌های این خانه، موزه و کتابخانه و دیگر مؤسسات نیکوکارانه را خود بعهده دارد. او از سی‌وسه سال پیش همه اشیایی را که از کتاب خطی، سکه - قالی و... طی هفتاد سال و روز بروز فراهم آورده است در معرض دید استفاده مردم قرار داده. از او صحبت‌های فراوان در زمینه نیک مردی و خیراندیشی می‌شنویم یا شنیده‌ایم. اینها را صمیمانه می‌توان پذیرفت چرا که در يك گردش ساده در کتابخانه به واقعیت این کوشش و دلبستگی می‌توانی پی ببری.

بیشترین لحظه‌های عمر مؤسس کتابخانه و موزه ملک



آقای حاجی حسین ملک واقف کتابخانه و موزه ملی ملک

در راه خدمت به مردم و فرهنگ گذشته و می‌گذرد. داریم عده‌ای را که به کمک این مرد تحصیلات خود را پایان برده‌اند و اینک صاحب مقاماتی هستند.

او زاده تهران است و از يك خانواده آذربایجانی. اما بیشتر مجاور حضرت رضا علیه‌السلام بوده. نوعی دلبستگی شیفته‌وار بین او و امام هشتم شیعیان می‌باشد. او ثروت و املاک خود را حتی این کتابخانه و موزه را وقف آن حضرت کرده است. در نود و چهار سالگی قدرت حافظه‌ای عجیب دارد. کافیست نام یکی از کتابهایی را که در قرائت‌خانه او هست ببری و بعد مشخصات خاص آن کتاب را از زبان او بشنوی. شور عجیبی بیادگیری و مطالعه دارد. هنوز هم وقتی يك شعر خوب و یا مطلب جالبی می‌شنود یادداشت برمی‌دارد. زبان فرانسه را می‌داند و به زبان فارسی و عربی هم تسلط کامل دارد. و بسادگی یکساعت تمام قصایدی را از بر می‌خواند.

کتابخانه و آثار بی نظیرش

محل کتابخانه در قسمت راست‌خانه قرار دارد، با ساختمانی نو و مخزنی دیدنی که برای کتابها درست کرده‌اند. این خود عمارت سه طبقه‌ای است که در طبقه زیرین آن قرائت‌خانه نسبتاً بزرگی وجود دارد.

عموم مردم از ساعت هشت تا دوازده صبح می‌توانند بی‌پرداخت پولی، از غنایم نهفته شده در این کتابخانه بهره ببرند. مخزن کتابخانه نیز خود دو قسمت است. یکی: قسمت دیدنی و فراموش نشدنی کتابهای خطی که آدم را به یاد سرگذشت دیرپای ادب، علوم، هنر و دانش این سرزمین کهنسال می‌اندازد. و دیگر: مخزن کتابهای چاپی. کتابخانه پیوسته در حال توسعه است. بدین منظور، مترجم و نویسنده و حتی صحاف نیز در این قسمت وجود دارند. کتابهای منحصر بفرد خطی زیر نظر مترجم و نویسنده ترجمه و حاشیه‌نویسی می‌شود، به چاپ می‌رود و یا برای ارسال به مراکز علمی و فرهنگی ایران و حتی کشورهای خارج فتوکپی و آماده می‌گردد. صحاف پیوسته مراقب وضع کتابهای با قیمت کتابخانه است، و مبادله برای نشر قسمتی از فرهنگ و ادب ایران از این قسمت پیوسته ادامه دارد. بهمین نسبت از مراکز گوناگون کتاب و نشر به دریافت می‌شود. مسؤولان قرائت‌خانه و شخص حاج حسین آقا ملک در راه این توسعه نقش اساسی دارند.

در مخزن کتابهای خطی حدود ۶۵۰۰ جلد کتاب وجود دارد که پاره‌ای از آنها بصورت مجموعه است، که در جمع می‌توان رقم کتابهای خطی قرائت‌خانه را حدود ۱۲۰۰۰ دانست. ۱۲۰۰۰ جلد کتابی که يك مرد با حوصله و علاقه فراوان طی هفتاد سال از عمر خود فراهم آورده و تعدادی از این آثار

بی نظیر منحصر به این کتابخانه است.

در مخزن کتابهای خطی بواقع به شگفت در میمانی. خط، تذهیب، مینیاتور، رنگ آمیزی و حوصله دقیق نویسنده و هنرمند ایرانی آدمی را مبهور می‌سازد. آنجا فقط به این مسأله معتقد می‌شوی که: فرهنگ و تمدن ایران چه پشتوانه عظیم و دیرپایی دارد و گردآوری این کتب خود چه خدمتی درخور به فرهنگ این مرزوبوم است.

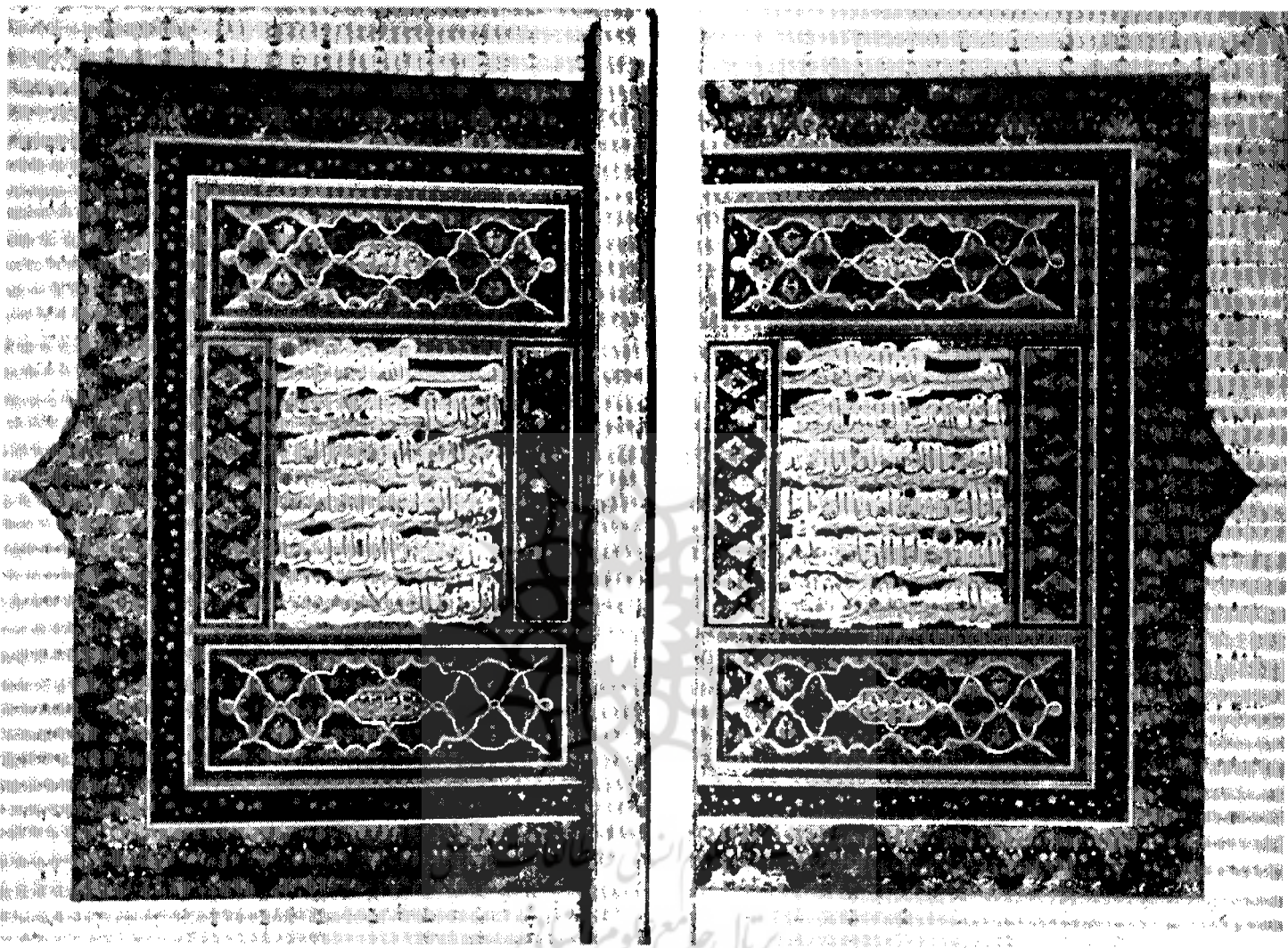
اشاره به چندتایی از این آثار پرارزش، این حرف را پر اثرتر می‌سازد. از قدیم‌ترین کتب خطی این قرائت‌خانه باید به کتاب خطی «ثمره بطلمیوس» به تاریخ ۳۷۱ قمری و «فوزالاصغر» از علی ابن مسکویه به تاریخ ۴۱۰ اشاره کرد. و نیز، قرآنهای خطی بی نظیر با جلدهای مطلقاً، شاهنامه و خمسه نظامی به خط محمد بن مظهر نیشابوری که برای سلطان بایسنقر نوشته شده، با مینیاتوری که صحنه تقدیم شاهنامه را نشان می‌دهد و سال تحریر آن ۸۳۷ قمری است.

— دیوان حافظ از قرن دهم با خطاطی و مینیاتورهای

دیدنی.

— بازهم شاهنامه در اواخر قرن نهم که دارای ۲۶

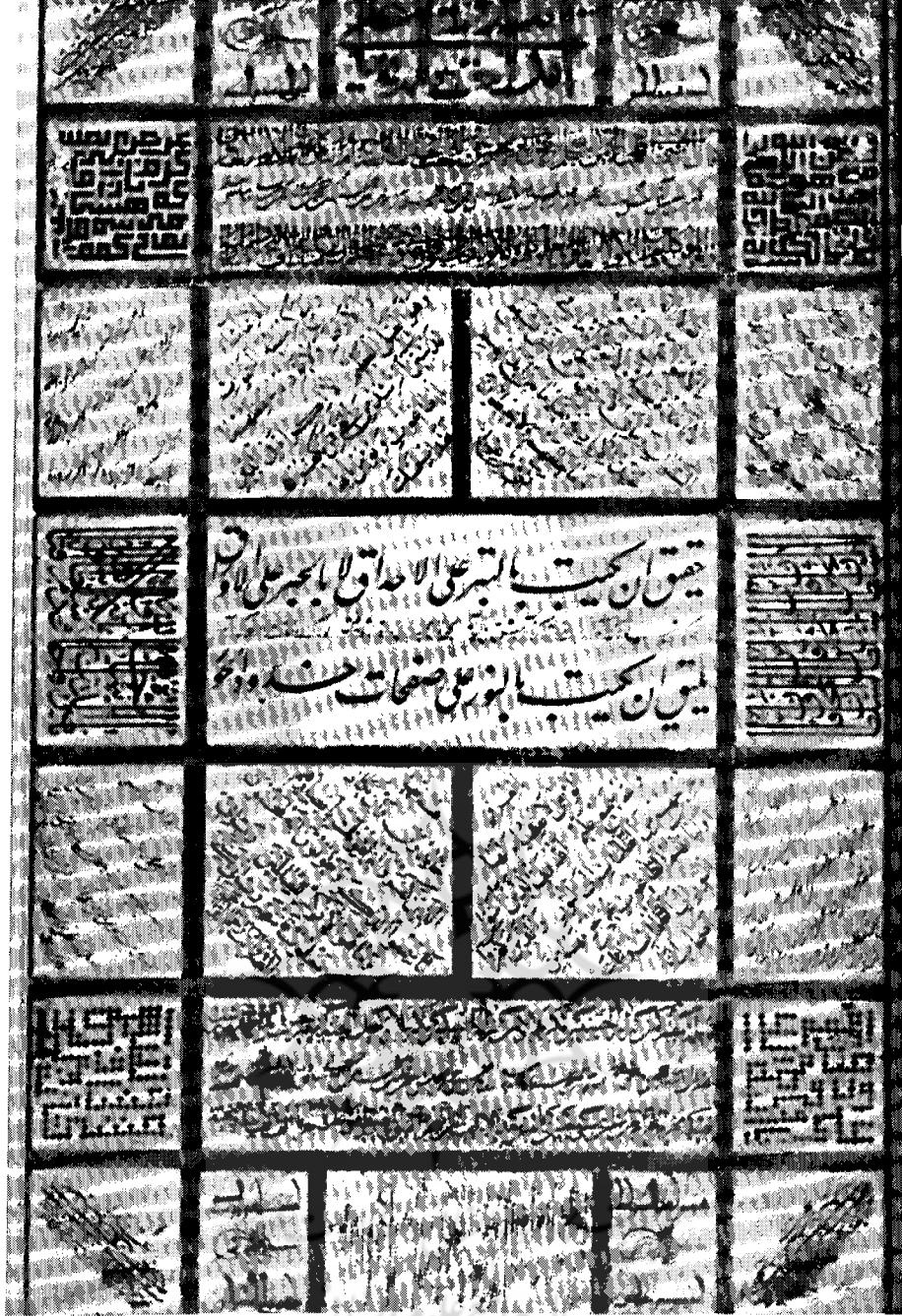
تصویر است.



عوزة ملی ملک - دو صفحه از یک قرآن خطی

- احیاء العلوم امام غزالی که به سال ۶۶۵ قمری تحریر شده .
- مثنوی مولوی با حاشیه مثنویات شیخ عطار به خط عبدالقادر بن علی بن محمد بدرالاسترآبادی با تاریخ تحریر ۸۰۹ قمری .
- مرقع‌های گوناگون از جمله مرقعی از خط میرعماد با جلدی کامل از طلا با تاریخ تحریر ۱۰۰۹ قمری .

- مثنویات جامی به تحریر علاءالدین زره بامینیاتوره‌های زیبا .
- قسمتی از گلستان سعدی با تصاویری چند بجا مانده از قرن دهم .
- کلیات شیخ سعدی به خط شاه محمد کاتب با تصویرهایی از چند مجلس به تحریر سال ۱۰۰۰ قمری .
- مثنویات عطار که به سال ۸۱۹ قمری تحریر شده است .



عوزة ملی ملک - نابلی ۷ خط (خطوط مختلف)

است. اگر وقت کمی فقط پاره‌ای از کتابها را ورق بزنی سادگی، به جاودانه رمز بقای این ملت که سال واقف می‌شوی و از عمق فرهنگ و تمدن این سرزمین حالت پرشوری مییابی. — ۱۴۰۰۰ جلد کتاب چاپی نفیس، مخزن دیگر کتابخانه را پر میسازد که این شماره هر روز رو به‌تزايد است. و کوشش مسؤولان و خودبانی و مؤسس کتابخانه در این زمینه حائز اهمیت میباشد.

— و بالاخره دیوان جامی با خط سلطان محمد نور که به سال ۹۳۸ به تحریر درآمده.

مخزن را چرخ میزنی و این کتابها را با حیرت از پشت شیشه قفسه‌ها می‌بینی. مسؤول قسمت می‌گوید: «باز هم هست» و وقتی نگاه می‌کنی دور تا دور کتاب می‌بینی. با جلدهای چرمی، مقوایی و طلائی به تعداد ۱۲۰۰۰ جلد که در جمع گوشه‌ای از همان عظمت تمدن و فرهنگ راستین این سرزمین



موزه ملی ملک - قالی درختی بافت تبریز

۴۰۰۰ جلد میباشد که در جمع تعداد کتابهای چاپی و خطی
به ۳۰۰۰۰ جلد میرسد .

این کتابها را ، کتابهای عربی ، فارسی و ترکی تشکیل
میدهند و کتابهای زبان فرانسه ، انگلیسی و روسی به تعداد

يك قسمت از كار پراهمیت مؤولان كتابخانه ملك مبادله میباشد. مبادله از طریق خود كتاب ، فتوكپی ، چاپ و یا نامه . دامنه وسعت این مبادله به مراکز علمی و هنری پاره‌ای از کشورهای جهان نیز کشیده شده است و این مرکز خود صاحب اعتبار فراوان از نظر محققان فرهنگ و هنر ایران سرزمین باستانی به شمار می‌آید .

گفتن يك نکته در زمینه كتابهای خطی این قرائت‌خانه ضروری است و آن اینکه از ۳۰ جلد كتاب خطی که اینك ۱۷ جلد آن در سراسر گیتی بیشتر نیست ده جلدش را می‌توانی در كتابخانه حاج حسین آقا ملك بیابی .

موزه و پنج تالار آن

موزه ساختمان طرف چپ این خانه را تشکیل میدهد . منتها با همان سبك قدیم و بی‌دستکاری و افزونی . كوشش شده است تا همه آن ارسی‌ها ، طاقها ، كسوها ، گچ‌بری‌ها ، درگاهها ، مخمل‌دوزی‌ها به همان اصالت دیرین خود حفظ شود ، و این نکته جالب است که آدمی آثار عهد عتیق را در جایگاهی که خود نشانه‌ای از گذشته دور دارد می‌بیند . اگرچه نورافکن‌ها امروزی باشد و نیز قفسه‌ها . درموزه هم نمی‌توانی فراموش کنی که فرهنگ و هنر این سرزمین تا چه اندازه پربها و ارزشمند است و تا چه میزان می‌تواند — و همیشه — بنیان و پایه‌ای استوار برای فرهنگ و هنر نو باشد .

موزه را به پنج تالار قسمت کرده‌اند که هر قسمت اشیایی خاص و با نظم و ترتیب بسیار دربردارد. تالار نخست به مجموعه سکه‌ها اختصاص دارد . در این اتاق نسبتاً بزرگ بسادگی می‌توان سیر دورانه‌ای از تاریخ این سرزمین را دید که با نشانه‌های سکه به‌جای مانده . سکه‌ها به ترتیب زمان و با نظم خاص در قفسه‌های مخصوص جای گرفته‌اند ، از طلا ، نقره و نیز مفرغ . بر هر يك از آنها اثر ذوق و هنر و استعداد ایرانی را می‌بینی که در آن نشانه استقلال و آزادگی قرون و اعصار جلوه کرده است .

اینها يك قسمت است . چه بر دیوار همین تالار تابلوهای زیبایی از هنرمندان ایران و جهان بچشم می‌خورد که در حد خود جالب و تماشایی است و نشانه هنرنقاشی کلاسیک . و وقتی پای تابلویی از کمال‌الملک میرسی بی‌اختیار قدم سست می‌کنی و به قدرت هنری تابلو خیره میمانی .

و در هر حال باز هم طاقها ، گچ‌بریها ، سقف‌ها نظرت را می‌گیرد .

در تالار دوم قلمدان‌ها و منبت‌کاریهایی را جمع‌آوری کرده‌اند که از اواخر دوره صفویه بجای مانده . در همین تالار به میل‌ها و صندلی‌های چوب‌بری شده و منبت‌کاری و چراغهای

دیدنی پایه بلند از ایران و خارج برمیخوری که نمی‌توانی براحتی از آنها چشم برگیری .

کنار قفسه‌های قلمدانها که می‌ایستی براستی غرق در هنر ظریف و خیال‌انگیز هنرمند ایرانی می‌شوی . چه بر مساحتی کمتر از اندازه دوانگشت ، شکارگاه بهرام را می‌بینی و یا يك منظره زیبا از طبیعت را با همه رنگها و دیدنی‌هایش که جابجا و هنرمندانه بر سطح قلمدان نقش بسته است .

در اینکارها ، نه رنگی به رنگی — به سهل یا اشتباه — در آمیخته است و نه فکر می‌کنی کاری است که برای گذران روزی و یا کسب شهرت پدید آمده . خیلی ساده معتقد می‌شوی که هنرمند کوشیده است تا با همه وجودش يك اثر هنری زیبا بوجود آورد .

در تالار سوم به سکه‌های نقره ، فرامین شاهان دوران و چند تابلوی ابریشم‌دوزی برمیخوری که در برابر هر کدام از آنها می‌توانی ساعت‌ها بایستی و خیره بمانی . و باز هم بر دیوارهای تالار تابلوهایی از نقاشان مشهور ایران و جهان و تابلوهایی از استاد کمال‌الملک . و بعد در مقابل يك تابلو همه غمی را که فکر می‌کنی ممکنست در يك لحظه بتو روی آورد احساس می‌کنی . در مقابل تابلوی نیمه کاره استاد که نتوانسته است بعلت عدم قدرت بینایی تمامش کند مات میمانی که قسمتی را رنگ زده است و مابقی طرح که از زیر تهرنگها بچشم می‌خورد از قدرت کامل طراحی کمال‌الملک حکایت دارد. در قسمت بالای این تالار ، یادبودها و افتخاراتی که از طرف افراد و شخصیت‌های مختلف ایران و جهان برای حاج حسین آقا ملك و خانواده او میباشد گرد آمده است ، و نیز لوحه یادبود فرهنگیان خراسان برای حاج حسین آقا ملك بسبب واگذاری دومیلیون متر مربع از زمین‌های وکیل‌آباد مشهد این مرد نیکوکار به فرهنگیان .

در تالار چهارم آنچه درباره هنر و قدرت قالیبافان ایرانی شنیده‌ای یا خوانده‌ای بچشم می‌بینی و به حیرت میمانی که در فرشی از تار و پود نقره چه قدرت و استعداد فراوانی بکار رفته است . در این قسمت زیباترین و چشم‌گیرترین فرشهای شهرهای گونه‌گون این سرزمین را می‌بینی . فرشهایی که از دور تابلوهایی دیدنی و خیره‌کننده بچشم می‌آیند و پاره‌ای از آنها ، سالها از عمر انسانهای هنرمند را گرفته است .

علاوه بر این در تالار چهارم نمونه‌های بسیار از انواع خطوط فارسی بزرگترین خطاطان ، انواع قیچی‌ها ، وسایل نجومی ، خطوط قرآنی پسر شاهرخ نوه امیر تیمور بر روی پارچه ، مینیاتور خواجه نصیر طوسی بجا مانده از ۷۵۰ سال پیش و بالاخره پیراهن شاه‌عباس کبیر را می‌بینی که هر يك رنگی از هنر و استعداد ایرانی دارد .

تالار پنجم را تالار تشریفات نام گذاشته‌اند . وقتی به آن



موزه ملی ملک - تالار شماره ۳ - وترینهای سکه‌های طلا - سقف منبت با گچ‌بری قدیمی

ارسی بلند با شیشه‌های رنگین .

★ ★ ★

وقتی کار را تمام می‌کنی و پا به بازار می‌گذاری دست کم صلوة ظهر است . از صبح اول وقت به دیدار مشغول بوده‌ای و تازه زمان برای دیدار کامل و دقیق کم بوده است . در راه برگشت نوعی احساس غرور و شادمانی داری . نخست : از دیدن آنهمه هنر، ذوق و استعداد ایرانی، دوم آنکه : لااقل توانسته‌ای گوشه‌ای از خدمت صادقانه يك انسان را به فرهنگ و هنر این سرزمین نشان دهی .

وارد میشوی لغت تشریفات برایت درست به‌دل می‌نشیند . فرش زیبای کف آن ۶۶ متر مربع است و درست جفت تالار میباید . چلچراغها، آینه قدی بزرگ، ساختمان قدیمی تالار ، تابلوهای مینیاتور گوناگون از مجالس مختلف شاهنامه ، همه و همه نام تالار تشریفات را تأیید می‌کنند . تالاری که به شیوه فراوان رنگ اصیل ایرانی دارد . و دست آخر میرسی به اتاق مخمل که اتاقی است با نشانه‌های هنر معماری و گچ‌بری بیش از صد سال پیش . از کف تا نیمه کمترین اتاق بردیوارها مخمل است، و تا زیر سقف گچ‌بریهای ظریف و زیبا و نیز در ابتدای راه